

موضوع : سبک زندگی مهدوی

استاد ملایی

قسمت پنجم

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر قائم آل محمد و برمنتظرانش

ما در گفت‌وگوی قبلی بحث مهمی را شروع کردیم و وعده این جلسه را به شما دادیم. این- که سبک زندگی منتظرانه را باید با شناخت دقیق کلید واژه انتظار، آن هم از نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) معنا کنیم.

من برای شما فقط یک روایت آوردم به این که انتظار، توأم با جهاد و مبارزه است، اما یک سؤالی پرسیدم: که آیا این جهاد به معنای نظامی‌گری و درگیری فیزیکی است؟ عرض کردم: نه؛ این‌طور نیست. چرا؟ ببینید گرچه ما در رساله یا در کتاب‌های فقهی بابی به نام جهاد داریم و آن بحث نظامی‌گری جهاد است و این که در عصر غیبت، ما اصلاً جهاد ابتدایی نداریم و جهاد دفاعی داریم؛ اما اگر شما به فرهنگ قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) مراجعه کنید، معنای جهاد بسیار وسیع‌تر از این هست. ما جهاد را باید طوری معنا کنیم و البته طوری معنا می‌کنیم، که بزرگ‌ترین جهاد که جهاد اکبر هست را هم داخل می‌کنیم. ما جهاد را طوری معنا می‌کنیم که در سبک زندگی منتظران امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) جهاد کبیر هم وارد خواهد شد.

ما اساساً معتقدیم که سبک زندگی منتظران حضرت، با نگاه جهادی که داریم، باید حتماً این سه عرصه را در بر بگیرد: جهاد اکبر، جهاد کبیر، و جهاد اصغر. شما جهاد را چطور معنا می‌کنید؟ ما جهاد را بر طبق منابع دینی و لغوی، تلاش در نهایت توان برای رسیدن به یک هدف بلند برای رضای خدا معنا می‌کنیم. وقتی این‌طور معنا می‌کنیم، شما فقط نمی-توانید نظامی‌گری را در نظر بگیرید. ما در این جهاد چند شاخصه بزرگ داریم. یکی از شاخصه‌ها را خدمت شما عرض می‌کنم که سه دسته جهاد اکبر، کبیر و اصغر واضح‌تر شود. ما وقتی از جهاد صحبت می‌کنیم، جهاد رفتاری است، که در مقابل دشمن شکل می-گیرد. اصلاً موضع‌گیری که بدون نگاه به دشمن باشد را جهاد نمی‌گویند، این یک رفتار معمولی است. آیا منتظر رفتار معمولی است؟ رفتار معمولی نیست، رفتارش جهادی

است. یعنی چه؟ یعنی تمام رفتارهایش را باید با دشمن رصد کند. گام اول دشمن‌شناسی منتظر است.

یک سؤال از شما بپرسم: دشمنان خود را می‌شناسید؟ ما هنوز دشمنان خودمان را نشناختیم، یا اگر شناختیم به شوخی از آنان گذشتیم. مگر پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «أعداء عَدُوکَ نَفْسِكَ الَّتِي بَيْنَ جَنَبَيْكَ». سخت‌ترین و خطرناک‌ترین دشمن همان خودت هستی، نفس توست که در درون توست؛ این نفس دنیاطلب و منفعت‌طلب. خودمانی بگویم: برادر عزیزم، خواهر بزرگوارم، اگر یک بچه سه یا چهار ساله به شما بگوید همین الان یک مار افعی وارد اتاق شده است شما حرف این بچه را گوش می‌دهید؛ گرچه احتمال ضعیف است، اما محتمل قوی است؛ چون اگر واقعاً مار وجود داشته باشد نیش می‌زند و بچه می‌میرد. ما حرف پیغمبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به اندازه یک بچه سه یا چهار ساله باور نکردیم، و در درون ما، این افعی درون، آن قدر ما را نیش زده که دیگر احساسی نداریم؛ دیدید چقدر بی‌احساس هستیم! چون این افعی مثل این است که شما یک آمپول بی‌حس‌کننده بزنید؛ در این صورت اگر دست شخص را هم بپُرید، متوجه نیست. این افعی آن قدر درون ما را نیش زده که حس انسانیت از ما رفته است. و وقتی این حس رفته، ما اصلاً مبارزه نمی‌کنیم؛ چون اصلاً نفس منفعت‌طلب درونمان را دشمن نمی‌دانیم که بخواهیم با آن مبارزه کنیم. حالا شما این فرمایش امیرالمؤمنین را کنار بگذارید که: «مهریه بهشت، جهاد با نفس است». ما هنوز این مهریه را تهیه نکردیم، که وارد بهشت شویم. اگر وارد این وادی نشویم، بعید می‌دانم که به ما منتظر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بگویند. اگر ما در وادی جهاد اکبر موفق نشویم، در جهادهای کبیر و اصغر هم پیاده هستیم؛ بدون تعارف.

والسلام علیکم وحمه الله